

رشدی نیستم.

رشد و هدایت از یک سنخ، غی و ضلالت از سنخ دیگرند. و البته اینها مفهوماً یکی نیستند در رشد راه یابی به خیر و صلاح مطرح است اما متعلق هدایت علم است. در رشد به مقصد رسیدن مطرح است «اصابة الصواب» در حالی که در هدایت این مقوله مطرح نیست و عام است. بنابراین امامان را راشد می‌نامیم زیرا که آنان به مقصد رسیده‌اند.

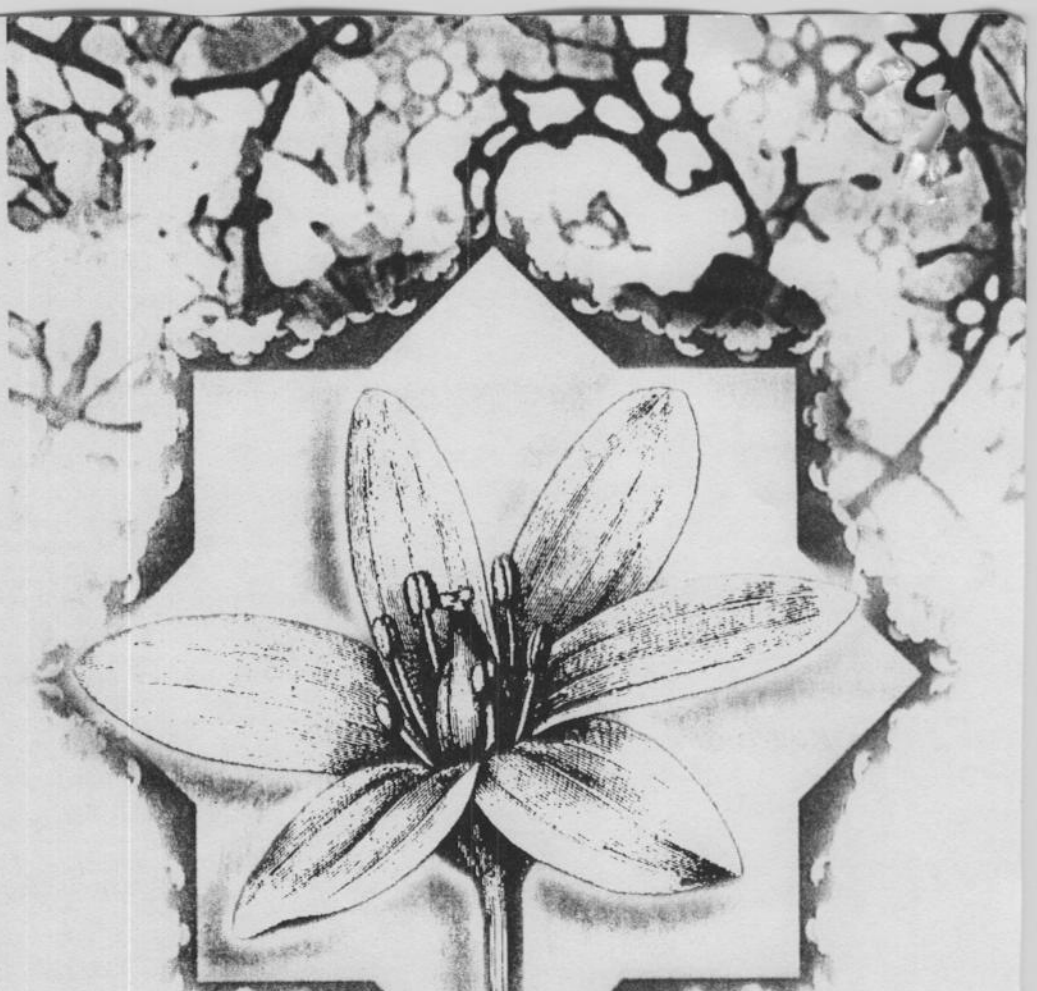
آنچه موسی(ع) در تعلم از خضر در پی آن بود، امامان تجسم آنند او به خضر گفت: هل اتبعك علی ان تعلمن مما علمت رشداً؟^(۴) آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه می‌دانی که مایه رشد من است بیاموزی او در پی رشد بود. و امامان را اشدان هستند.

جلوه رشد در قرآن محبوب شدن ایمان، زینت یافتن آن در دل و جان و منجز شدن از کفر و فسوق و عصیان است «...ولکن اللّٰه حبیب الیکم الایمان و زینة فی قلوبکم و کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان»^(۵) و لکن خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده در دلتان زینت بخشید و کفر و فسوق و نافرمانی را ناخوش قرار داد.

با این معیارها امامان (ع) در خط مقدم رشد یافته‌گان قرار دارند، تجسم ایمانند، سراسر جان آنها را محبت ذات مقدس ربوبی پر کرده و جانشان کانون نفرت از کفر و فسق و نافرمانی از خداست. جلوه‌ای از این محبت را می‌توان در دعاهای بلند این گل‌های معطر جهان هستی یافت دعای عرفه حضرت سیدالشهداء و امام سجاده(ع) دعای ابوحمزه ثمالی آن جناب، دعای سحر امام باقر(ع) جلوه برجسته این محبت است.

این محبت تنها در عرصه گفتار خلاصه نشده مهمتر از آن تجلی آن در عمل آنان است. تمام فداکاریهای عاشقانه و داوطلبانه امامان یعنی عشق به خداوند. این از یک سو، از سوی دیگر نفرت عمیق این انوار تابناک را می‌توان در کینه عمیق خلفای جائر از آنان و سرانجام شهادت آنها دید این نشان دهنده تلاش پیوسته امامان(ع) علیه حاکمان جبار است.

روایات فراوانی که در مورد نهی از کمک به ستمگران، و نکوهش همکاران آنان آمده



ویژگی‌های امامان

حجة الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی

سخن پیرامون شرح فرازهای زیارت بلند و عمیق زیارت جامعه کبیره بود. در این مقاله به ویژگیهای امامان از نگاه این زیارت می‌پردازیم.

«و اشهد انکم الائمة الراشدون، المهدیون، المعصومون، المکرمون...» شهادت می‌دهم شما امامان رشد یافته، هدایت شده، معصوم از گناه محفوظ مانده و گرامیان هستید.»

در این فراز ۴ ویژگی امامان آمده است:

۱- رشد یافته‌گان

واژه «رشد» به معنای صلاح و به حق رسیدن، راه یابی به خیر و صلاح است^(۱) در قرآن گاه رشد در مقابل «غی» یعنی گمراهی به کار رفته است «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی...»^(۲) اجباری در دین نیست که راه رشد از گمراهی آشکار شده است. و گاه در مقابل ضرر به کار رفته است؛ قل انی لاملک لکم ضراً و لا رشداً؛^(۳) بگو که من برای شما مالک زیان و

جلوه‌ای از این ابراز نفرت است. و رشد اینست و شیبه پای خود را جای پای این نیک سیرتان می‌گذارد یعنی جان او هم کانون عشق به خدا و نفرت از دشمنان اوست.

■ ۲- عنایت شدگان ویژه

«المهدیون» دیگر ویژگی امامان (ع) در این فراز است. تردیدی نیست که این هدایت ویژه است نه تنها هدایت تکوینی است که آن عام است و نه هدایت تشریحی عام که آنهم اختصاص نیست.

این هدایت ویژه است، حتی در بین هدایت‌های ویژه هم پررنگ‌تر و از جلوه بیشتری برخوردار است. در این فراز همه امامان با عنوان مهدی معرفی شدند آنچنان که امام سجاد (ع) فرمود: «منا اثنا عشر مهديا اولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب و آخرهم التاسع من ولد و هو القائم بالحق»^(۶) از ماست دوازده مهدی که امیرمؤمنان علی (ع) اولین آنهاست و نهمین فرزند من که قیام به حق می‌کند آخرین است. لکن از لحاظ اسمی هر امامی را لقب و نام خاصی است و این لقب خاص امام دوازدهم حضرت حجة بن الحسن العسکری (عج) است.

■ ۳- امامان معصوم

«المعصومون» عصمت امامان از اعتقادات مسلم پیروان مکتب اهل بیت (ع) است در گذشته به تفصیل در این زمینه سخن گفتیم اینجا بطور خلاصه می‌گوییم که امامان (ع) همانند پیامبران معصومند، در سخنی از حضرت امام سجاد (ع) می‌خوانیم: «الامام منا لا یكون الا معصوما»^(۷) امامان از ما دوازده امام همگی معصومند.

زیربنای عصمت عنایت ذات مقدس ربوبی است که این انوار الهی به اوج قلّه باور می‌رسند باوری که زشتی گناه را می‌بینند آیا آدم عاقلی حاضر می‌شود خاکروب و کثافات را از زباله دان برداشته و بخورد، هیچ آدم با شعوری پیدا می‌کنید که دست خود را در آتش سوزان کرده و قطعات آتش را با دست خود بردارد و در میان دهان بگذارد بی تردید نه؟ چرا! بنابراین تمام عقلاء در برابر اینگونه

کارها یک نوع مصونیت یا به تعبیر دیگر عصمت دارند. البته اینها در حوزه‌ای محدود است پیامبران و امامان در برابر تمام گناهان چنین حالتی دارند. آنها به چشم زشتی گناه را دیده لمس می‌کنند به این ترتیب عوامل گناه در وجود معصومین محکوم به شکست است.

بی‌اطلاعی و جهل نسبت به مفاسد کارهای بد، ارزش لذات و منافع آنی در نظر انسان، عدم توجه به عواقب شوم اعمال زشت به عدم تسلط بر نفس و محکوم بودن قدرت عقل در برابر نیروی شهوات اینها عوامل گناه هستند این عوامل در وجود آنان راهی ندارد.

در آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان این معنی به تفصیل آمده است به عنوان نمونه یک آیه و یک روایت محضران تقدیم می‌داریم.

در جریان عشق آتشین زلیخا نسبت به یوسف و خلوتگاه عجیبی که برای انحراف فکر یوسف فراهم ساخته بود قرآن می‌گوید «و لقد همت به وهم بهالولاء ان رأی برهان ربه»^(۸) زلیخا تصمیم گرفت از یوسف کام بگیرد و اگر یوسف هم برهان پروردگار خود را نمی‌دید چنین تصمیمی می‌گرفت. برهان در لغت و در بسیاری از آیات قرآن به معنی علم و دانش یا چیزی که به علم و دانش بازگشت می‌کند آمده است در حقیقت علم خداداد یوسف بود که او را از این عمل بازداشت بنابراین سرچشمه عصمت در این آیه همان برهان پروردگار است.

محمد بن ابی عمیر می‌گوید: عالی‌ترین سخنی که در طول دورهٔ همنشینی‌ام با هشام بن حکم از وی شنیدم این بود که روزی از او پرسیدم آیا امام معصوم است.

هشام جواب داد آری گفتم عصمت چیست و چگونه امامان معصوم‌اند گفت برای اینکه سرچشمه گناهان چند چیز است: ۱- حرص ۲- حسد ۳- شهوت ۴- غضب و هیچیک از این عوامل در وجود امام راه ندارد. چرا حریص باشد با اینکه بر همه چیز قدرت دارد حتی بیت المال مسلمین در اختیار اوست. چگونه ممکن است حسود باشد در حالی که حسد از آن کسی است که بالاتر از خود را ببیند از مقام امام چه مقامی بالاتر، ممکن نیست امام خشم در امور دنیا کند زیرا خداوند کاری بدست او سپرده که با چنان غضبی هرگز سازگار نیست و آن اجرای حدود الهی است و اگر غضب مربوط به امور آخرت و جزا باشد که عیب نیست و بسیار خوب است، چطور ممکن است امام در چنگال شهوت و هوسها اسیر گردد با اینکه او بخوبی می‌داند لذات این جهان زودگذر است در برابر آنچه خداوند در سرای دیگر برای کسانی که از شهوات و هوسها چشم‌پوشند معین فرموده قابل مقایسه نیست»^(۹)

با اینهمه تکیه بر این نکته را لازم می‌دانم که بدون تردید عصمت، بی‌عنایت ذات مقدس ربوبی امکان‌پذیر نیست.



بحرانی‌ترین لحظات زندگی بود.

این همان (برهان رب) در داستان حضرت یوسف است به این ترتیب این آیه و همانند آنها نه تنها دلیل نفی عصمت نیست بلکه یکی از آیات دال عصمت است.

۴- گرامیان

«المکرمون» انسان مکرم خداست «لقد کرّمنا بنی آدم». (۱۱) از سویی ملاک کرامت تقواست «انّ اکرمکم عند اللّٰه اتقاکم» (۱۲) با این ملاکها امامان در اوج قله کرامت‌اند تکریم آنها تکریم مطلق است و کرامت دیگران نسبی است.

امامان عدل قرآنند همانگونه که قرآن واجد کرامت است: انه لقرآن کریم؛ (۱۳) و آنان هم چنین اند. امامان سلام الله علیهم تجلّی وجودی نبی‌اکرم‌اند همانگونه که پیامبر رسول کریم است انه لقول رسول کریم (۱۴) آنها همه کریمند. (البته احتمال دارد مراد از رسول در این آیه پیک وحی باشد که حضرت جبرئیل است).

امامان هم دارای کرامت حقیقی وجودی‌اند هم کرامت اخلاقی هم مکرمند. (از باب افعال، هم مکرم‌(از باب تفعل).

■ نزدیکان به خداوند

«المقربون» امامان نزدیک به ذات مقدّس ربوبی‌اند.

قرب گاهی مکانی است «فلا یقربوا المسجد الحرام»؛ (۱۵) نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند. گاهی زمانی است، الیس الصبح بقریب؛ (۱۶) آیا صبح نزدیک نیست. گاه نسبی است، «وانذر عشیرتک الاقربین»؛ (۱۷) هشدار ده اقوام نزدیکت را» گاه در صفات «هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان»؛ (۱۸) آنروز آنها به کفر نزدیکتر بودند تا ایمان» قربی که در مورد ذات مقدّس ربوبی معنا دارد فقط قرب معنوی و روحانی است. این قرب از رهگذر ابراز عشق ویژه به ذات مقدّس ربوبی بدست می‌آید. امام رضا(ع) فرمود:

«اقرب ما یكون العبد من الله عزّ و جلّ و هو ساجد و ذلک قوله عزّ و جلّ و اسجد و اقرب»؛ (۱۹) نزدیک‌ترین حال بنده به خداوند

سجده است و معنای آیه «و اسجد و اقرب» (۲۰) همین است.

در روایتی از مولی علی(ع) آمده است: الصلوة قربان کل تقی. (۲۱) نماز مایه تقرب بنده به خداوند است بویژه نماز مستحب که زمینه ساز کمال تقرب است.

در روایتی آمده است «لما اسری بالنّبی(ص) قال یا ربّ ما حال المؤمن عندک قال یا محمد و ما یتقرب الّی عبدمن عبادی بشیء احبّ الّی مما افترضت علیه و انه لیتقرب الّی بالنّافلة حتی احبّه فاذا احببته کنت اذا سمعه الذی یسمع به و یصره الذی یبصره و لسانه الذی ینطق به و یده الّتی یبطش بها ان دعانی اجبته و ان سألتی اعطیته»؛ (۲۲) شیئی که پیامبر را به معراج بردند حضرت پرسید حال مؤمن نزد حضرتت چگونه است... حضرت فرمود بنده من با چیزی به اندازه انجام کارهای واجب به من نزدیک نمی‌شود لیکن با انجام مستحبات چنان به من نزدیک می‌شود که محبوب من می‌شود وقتی چنین شد گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند زبان او می‌شوم که با آن سخن می‌گوید و دست او می‌شوم که با آن اشیاء را می‌گیرد اگر مرا بخواند جوابش را می‌دهم و اگر از من سؤال کند عطایش می‌دهم امامان از مقربان بودند آنها در این خصال و فضائل رفتار در نهایت برجستگی هستند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. التحقیق، ج ۴، ص ۱۴۸ کلمه رشد.
۲. سوره بقره، آیه ۲۵۶.
۳. سوره جن، آیه ۲۱.
۴. سوره کهف، آیه ۶۶.
۵. سوره حجرات، آیه ۷.
۶. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲.
۷. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۹۴.
۸. سوره یوسف، آیه ۲۴.
۹. امالی صدوق، ص ۳۷۶.
۱۰. سوره اسراء، آیه ۷۳-۷۴-۷۵.
۱۱. سوره اسراء، آیه ۷۰.
۱۲. سوره حجرات، آیه ۱۲.
۱۳. سوره واقعه، آیه ۷۷.
۱۴. سوره حاقه، آیه ۴۰.
۱۵. سوره توبه، آیه ۲۸.
۱۶. سوره هود، آیه ۸۱.
۱۷. سوره شعراء، آیه ۲۱۴.
۱۸. سوره آل عمران، آیه ۱۶۷.
۱۹. کافی، ج ۲، ص ۲۶۵.
۲۰. سوره علق، آیه ۱۹.
۲۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.
۲۲. کافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

«و ان کادوا لیفتنوک عن الذی اوحینا الیک لتفتری علینا غیره اذا لاتخذوک خلیلاً ولولان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهیم شیئاً قلیلاً اذا لاذقناک ضعف الحیوة و ضعف الممات ثم لاتجد لک علینا نصیراً» (۱۰)

نزدیک بود آنها تو را با وسوسه‌های خود از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بفریبند تا غیر از آن را به ما نسبت دهی و در آن صورت ترا به دوستی خود برگزینند و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم مصون از انحراف نبودی و نزدیک بود اندکی به آنان تمایل کنی. اگر چنین می‌کردی ما دو برابر مجازات مشرکان در زندگی دنیا و دو برابر مجازات آنها را بعد از مرگ به تو می‌چشانیدیم سپس در برابر ما یآوری برای خود نمی‌یافتی».

مفهوم آیه این است که تثبیت الهی که ما از آن تعبیر به عصمت می‌کنیم مانع این تمایل شد نه اینکه پیامبر(ص) انعطاف نشان داده بود و خداوند او را نهی و مؤاخذه کرد به دیگر عبارات آیه اول و دوم اشاره به دو حالت مختلف پیامبر(ص) است: حالت اول که حالت بشری و انسان عادی است در آیه نخست بیان شده ایجاب می‌کند که وسوسه‌های شیطان در او اثر بگذارد به خصوص اگر مصالحتی ظاهراً در این انعطاف به چشم بخورد مانند امید به اسلام سران شرک بعد از این انعطاف یا پیشگیری از خونریزی و درگیریهای بیشتر و هر بشر عادی هر قدر قوی باشد احتمال تحت تاثیر واقع شدن در برابر این وسوسه‌ها را دارد ولی آیه دوم جنبه روحانی عصمت الهی و لطف خاص پروردگار را بیان می‌کند که شامل حال پیامبران مخصوصاً پیامبر اسلام در